



کاش تاریخی وجود نداشت

به احترام دخترکانی که زندگی نکردند

محمد حسین رضمانی
دانش آموز پایه دهم

از وقتی پای اینترنت و فضای مجازی به زندگی ما باز شده است، تاریخ جور دیگری بیان شده و بیشتر در قد و قواره اطلاعات عمومی ما دانستنی‌ها مرور می‌کنیم. ولی همیشه هم همین قدر زیگول و جذاب نیست. تاریخ به عنوان داستان زندگی بشر بالا و پایین دارد و نمی‌شود فقط در یک قاب نگاهش کرد. مخصوصاً اتفاقات تلخ و گذراندن اثر دیگری بر ما می‌گذارد و می‌تواند نگاه ما را تغییر دهد. «لالایی برای دختر مرده» روایت اتفاقی عجیب و ناملموس در سال‌های دور از ما و در اثنای تاریخ است. زمانی که خانواده‌ها برای پرداخت مالیات و گذراندن امور زندگی‌شان مجبور به فروختن دختران خردسال و عزیزشان می‌شوند. آنها را می‌فروشند و به دست مأموران ترکمن می‌سپارند تا سرنوشتشان در جای دیگری رقم بخورد. حکیمه یکی از همین دختران است که بعد از فروخته شدن اتفاقات ناخوشی را سپری می‌کند و حالا از آن زمان‌ها به شهرک ارغوان آمده است. شهرک ارغوان در حوالی تهران است و حالا اوضاع چندان مطلوبی ندارد و فقط چند ساختمانش از خانوار تکمیل شده. زهره و مینا هم در مدرسه مختص به همین شهرک درس می‌خوانند و در همینجا ساکن‌اند. روح حکیمه به سراغ زهره می‌رود و زندگی تلخش را برای او می‌گوید. زهره هم در مواجهه با او عوض می‌شود. اول کمی احساس ترس می‌کند اما پای صحبت‌های حکیمه که می‌نشیند جذب زندگی‌اش می‌شود. وقتی هم که در مدرسه برای مینا تعریفش می‌کند، مینا و البته بقیه بچه‌ها فکر می‌کنند خیالاتی شده است. داستان حکیمه و زهره و مینا به همینجا ختم نمی‌شود و زهره و مینا درگیر ماجرا می‌شوند. کتاب «لالایی برای دختر مرده» صفحه جدیدی در روایت کردن تاریخ است. به گونه‌ای که هم به صحت تاریخ پرداخته شده و هم داستان رنگ و لعاب دارد. شخصیت‌های داستان به درستی ایفای نقش کرده‌اند و پیامی را که باید انتقال می‌دهند. سیر داستان هم با عبور کردن هر بخش از زبان هر شخصیت تکمیل می‌شود و در آخر با یک پایان بندی قوی و قابل اعتنا، هنر نویسنده را نشان می‌دهد. آقای شاه‌آبادی که تجربه خوب و پر ثمره‌ای در حوزه داستان‌ها و رمان‌های تاریخی دارند، به خوبی از عهده این داستان برآمده‌اند و حق مطلب را ادا کرده‌اند. در آخر، رمان «لالایی برای دختر مرده» را به تاریخ دوستان پیشنهادش می‌کنم با اینکه غم دارد.



جور دیگر ببینیم

جهان از دید علی خدایی هزار وجه و هزار رنگ دارد

زهرا بزرگ‌زاده
روانشناس کودک

چند هفته‌ای است که به لطف یکی از مربیان مهارت‌های خواندن، نوشتن و مهارت‌های زندگی و همچنین از مشاوران و عضو شورای کتاب کودک، با کتاب‌هایی از علی خدایی آشنا شده‌ام. علی خدایی نویسنده و تصویرگر کتاب کودک است که تصویرگری بیش از ۸۰ عنوان کتاب را به عهده داشته است. او جوایز زیادی را هم برای کتاب‌های خود از جشنواره‌های داخلی و خارجی دریافت کرده است. آنچه کتاب‌های او را ویژه می‌کند، نگاه متفاوت او به اشیاست. او می‌تواند حیوانات، اثاث خانه، حروف و اعداد را از جنبه‌های گوناگون ببیند و تصاویرشان را باهم تلفیق کند. همین ویژگی به خواننده، امکان متفاوت دیدن را می‌دهد. فهم این حقیقت که هر امری از هر زاویه‌ای جوری دیگر می‌نماید، کلید خلاقیت است. کتاب از این طرف نگاه کن، متن ندارد، در عوض با ورق زدن هر برگ از کتاب، تصویرهایی که گمان می‌کردیم شناختیمشان، تغییر می‌کند و ما مجبوریم شناختمان را نسبت به آن دوباره سامان دهیم. کودکان حین خواندن این کتاب، شگفت‌زده می‌شوند و اگر این کتاب در جمع خوانده شود، برخی در برگ جدید از کتاب، تصویر جدیدی را می‌بینند و برخی همچنان تنها حیوان قبلی را تشخیص می‌دهند. همین باعث می‌شود کودک بفهمد نظرات متفاوت است و تغییر زاویه دید، ممکن است چیزهای جدیدی را نشانمان دهد. من روی دستم می‌ایستم کتاب دیگری از اوست که داستان‌سرایی آن به عهده کودک است. تصاویر کتاب پشت سر هم داستانی را روایت می‌کنند که نوشته نشده و کودک می‌تواند آن را با چشم دنبال کند و پس از حدس زدن در مورد حیوانی که فقط بخشی از آن در صفحه‌ها مشخص است، به صفحه آخر می‌رسیم و معما حل می‌شود. چی چی قاشق و ویجی نیز در مورد اثاث خانه است که با یکدیگر اشکال مختلف می‌سازند، اگر بخواهیم این کتاب را به صورت تعاملی با کودکان بخوانیم، می‌توانیم در آخر از آنها بپرسیم با اشکال و اثاث خانه، دیگر چه چیزهایی می‌توان ساخت؟ کتاب همین و همان، عددهای من، قورباغه آوازخوان، الف مثل آهو و ف مثل فیل نیز دیگر کتاب‌های علی خدایی هستند که در انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده‌اند. این کتاب‌ها اغلب یا متن ندارند و یا کل کتاب در حد ۱۰۰ کلمه نوشتار دارد. همین ویژگی باعث می‌شود کودک تنها بتواند با کتاب سرگرم شود و از آن لذت ببرد. کتاب‌های الف مثل آهو و ف مثل فیل برای نوجوانان و دیگر کتاب‌ها برای کودکان ۴ سال به بالا مناسب است.

در عصر پلنرها تو پلنر کتاب باش!

موجوداتی نوظهور به نام پلنر کتاب

مریم رحیمی پور
خبرنگار

داسیم. دفتر فوق‌العاده‌ای هم از آب در آمد. صفحه اولش شناسنامه کتابخوان مورد نظر بود و می‌توانست مشخصاتش و کتاب‌هایی که دوست دارد را یادداشت کند، صفحه دوم طرحی گرافیکی از یک کتابخانه بزرگ بود که بچه‌ها می‌توانستند نام هر کتابی را که خواندند بنویسند. باقی صفحات یک الگوی تکرارشونده داشت؛ بخشی برای مشخصات کتاب، دو صفحه خط دار برای نوشتن خلاصه و نظرشان در مورد کتاب، یک صفحه هم برای نوشتن اطلاعات نویسنده و جملاتی از کتاب که دوست داشته‌اند. بخشی را هم برای این قرار داده بودیم که اگر جلد کتابی را دوست نداشتند آن را مجدداً طراحی یا

وقتی خیلی کوچک بودم مثل یک کرم ابریشم که ولع جویدن برگ‌های توت را دارد، کتاب می‌خواندم. مادر بزرگم در همان سال‌ها یک بار خیلی جدی توصیه کرد که دفتری بردارم و لیست کتاب‌هایی را که خوانده‌ام در آن بنویسم. او مادر بزرگ بسیار مهربانی بود و معمولاً برای ما نوه‌هایش هیچ بکن، نکنی نداشت ولی این حرف را خیلی جدی و قاطع زد. من هم یک دفتر برداشتم و تلاش کردم در آن اسم کتاب‌هایی را که خوانده‌ام بنویسم. بعدتر احساس کردم مادر بزرگ که چند کلاس بیشتر سواد ندارد، خیلی از کتاب و کتابخوانی چیزی متوجه نمی‌شود و حتماً همین‌طور یک چیزی گفته است. اصلاً چه نیازی است که اسم کتاب‌هایی را که خوانده‌ام بنویسم؟ وقتی همه‌شان را یادم می‌ماند؟



بخت با من یار بود و حافظه خوبی داشتم، از طرفی تعداد کتاب‌های مخصوص کودک و نوجوان در آن زمان این قدر زیاد نبود و ناچار بودم هر کتاب را چندین بار بخوانم، به همین خاطر تقریباً غیرممکن بود که چیزی از خاطرم بیرون آید اما با وجود این یک روز به خودم آدم و متوجه شدم که داستان‌هایی در ذهنم است که منشأشان را نمی‌دانم و حاصل کتاب‌هایی است که از کتابخانه مدرسه قرض گرفتم و اسم هیچ کدامشان هم خاطر نمی‌سازد. یاد حرف مادر بزرگم و قضاوت احمقانه خودم افتادم، آن زمان دیگر خیلی بزرگ شده بودم و خودم در یک فایل روی کامپیوترم، اسم کتاب‌هایی را که خوانده بودم می‌نوشتم ولی برای یادآوری کتاب‌های گمشده در دالان حافظه خیلی دیر شده بود.

نقاشی کنند و در دفترشان بچسباندند و در پایان هم یک شناسنامه دیگر، برای کتابخوانی که از ابتدای شروع کردن این دفتر تغییر کرده و حالا آدم جدیدی شده است و نیاز به شناسنامه جدیدی دارد. چند وقت پیش در یک کتابفروشی دیدم که نشر هویا هم، چنین ایده‌ای را عملی کرده و اسمش را گذاشته «دفتر یادداشت یک خوره کتاب» که این دفتر هم بخش‌های مختلفی داشت؛ لیستی برای کتاب‌هایی که خریده‌ایم یا قرض گرفتیم و قرض دادیم. همچنین بخشی برای نوشتن مشخصات کتاب‌هایی که خوانده‌ایم، چند ردیاب کتاب که نشان می‌دهد در هر ماه و هر روز چند صفحه کتاب خواندیم و بخشی برای کتاب‌های ویژه‌ای که دوست‌شان داشتیم تا نظرم‌ان را در مورد آن بنویسیم، بخشی هم برای شخصیت‌هایی که دوست‌شان داریم و یک قسمت هم برای نوشتن ایده‌هایی که حین خواندن کتاب‌ها به ذهن‌مان رسیده است.

قیمت «دفتر یادداشت یک خوره کتاب»

چند وقت پیش یک کتاب خواندم با اسم «منتقد کوچک» که در آن دختر منتقد غذا شود به توصیه خاله‌اش نقد هر غذایی که خورده بود را نوشته بود و چندین دفتر از تجربیاتش را ثبت کرده بود که در ادامه هم یک منتقد حرفه‌ای غذا شد. اگر به توصیه مادر بزرگم گوش کرده بودم احتمالاً من هم امروز چندین دفتر مملو از نظراتم در مورد کتاب‌ها داشتم و احساساتم بعد از خواندن هر کتاب در هزارتوی تاریخ ناپدید نمی‌شدند



کتاب «لالایی برای دختر مرده» صفحه جدیدی در روایت کردن تاریخ است. به گونه‌ای که هم به صحت تاریخ پرداخته شده و هم داستان رنگ و لعاب دارد. شخصیت‌های داستان به درستی ایفای نقش کرده‌اند و پیامی را که باید انتقال می‌دهند